

اثبات (غیر) قطعی مجرمیت

قضات

چگونه متهمین به ارتکاب

جرائم مرتبط با مواد مخدر

را

به مرگ محکوم می کنند

فهرست مطالب

۱درباره این نوشتار.....
۲سوابق اطلاعات.....
۲انطباق حکم با قانون: ناآگاهی قضات یا احتراز آگاهانه؟.....
۳احکام خارج از دسترس.....
۴احکام غیرمستدل ، غیر مستند و غیر موجه.....
۶معیارهای نامشخص در محکومیت به مرگ.....
۷ازگرفتن اقرار تا محکومیت.....
۹اصل برائت.....
۱۱نتیجه گیری.....
۱۳ضمیمه شماره ۱.....
۲۲ضمیمه شماره ۲.....
۲۳ضمیمه شماره ۳.....

درباره این نوشتار^۱

شمار اعدام های مرتبط با جرائم مواد مخدر که در سالهای ۲۰۲۰-۲۰۱۸ کاهش یافته بود در سال های ۲۰۲۳-۲۰۲۱ بطور ناگهانی رو به افزایش گذاشت : اعدام های ثبت شده مرتب با جرائم مواد مخدر دست کم ۱۳۱ فقره در سال ۲۰۲۱ ، ۲۵۳ فقره در سال ۲۰۲۲ و ۸۲ فقره در سه ماه اول سال ۲۰۲۳ بوده است (رجوع کنید به جدول).^۲ دستیابی به اطلاعات مرتبط با اعدام در جمهوری اسلامی بسیار دشوار است زیرا روند قضائی کیفری در ایران محرمانه تلقی می شود. در این نوشتار تلاش شده است تا درباره اعمال مجازات اعدام برای ارتکاب جرائم مرتبط به مواد مخدر در جمهوری اسلامی ایران روشنگری شود. این بررسی مشتمل بر ارائه نحوه عملکرد ویژه دستگاه قضائی و شیوه تصمیم گیری قضات با استناد به پرونده هایی است که در آنها متهمین ارتکاب به جرائم مرتبط با مواد مخدر به اعدام محکوم شده اند و این در حالی است که اعمال مجازات اعدام برای جرائم مرتبط با مواد مخدر از دیرباز در قوانین بین المللی ممنوع شده است.^۳ در این احکام به کرات از کلماتی استفاده می شود که موید تاکید بر "یقین" در محکومیت متهم است. اما در واقع برای کسانی که با ابتدائی ترین ملزومات محاکمات منصفانه آشنا باشند این احکام موجد نگرانی های جدی درباره خطای قضائی است، اشتباهاتی که می تواند بالقوه مشروعیت دستگاه عدالت را زیر سؤال ببرد.

آمار اعدام های اعلام شده در ایران اعدام های مربوط به جرائم مرتبط با مواد مخدر و تعداد کل اعدام ها										
سال	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱	۲۰۲۲
جرائم مرتبط با مواد مخدر	۳۰۳	۴۸۰	۶۸۱	۳۳۸	۲۲۲	۲۷	۲۸	۲۴	۱۳۱	۲۳۵
تعداد کل اعدام ها	۷۸۰	۹۵۳	۱۰۵۵	۵۶۲	۵۱۰	۲۶۲	۲۵۸	۲۴۸	۳۱۷	۵۷۶

منبع : بنیاد عبدالرحمان برومند برای حقوق بشر در ایران

^۱ تدوین این نوشتار حاصل همکاری بنیاد عبدالرحمان برومند برای حقوق بشر در ایران و پروژه Eleos Justice (یک نهاد غیردولتی در استرالیا که برای پایان دادن به مجازات اعدام فعالیت میکند)، وابسته به دانشگاه موناخ در استرالیا است.

از روز اول (۱) ژانویه تا روز پانزده (۱۵) مارس ۲۰۲۳^۲

^۳ حق حیات، کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد (۲۰۱۸) - تفسیر عمومی شماره ۳۶ درباره ماده ۶. رجوع کنید به

<https://www.ohchr.org/en/calls-for-input/general-comment-no-36-article-6-right-life>.

سوابق اطلاعات

این نوشتار بررسی تحلیلی ده حکم قضائی^۴ است که در سال های ۲۰۲۰ - ۲۰۱۴ در جمهوری اسلامی ایران صادر شد. از نوزده (۱۹) نفری که موضوع احکام صادره و همگی متهم به ارتکاب جرائم مرتبط با مواد مخدر بودند شانزده (۱۶) تن به مرگ محکوم شدند (رجوع کنید به ضمیمه این نوشتار).^۵ اکثر احکام (۸ حکم از ۱۰ حکم صادره) در "دادگاه انقلاب" صادر شد که دادگاههای غیرعلنی وقضات آن روحانی هستند. در زمان نگارش این نوشتار، همه متهمینی که محکوم به مرگ شده بودند اعدام شده بودند. این احکام شاید نمونه جامعی از جرائم بزرگ مرتبط با مواد مخدر در ایران نباشد، زیرا اولاً آمار مربوط به شمار کل اعدامیان یا اعدامیانی که بخاطر ارتکاب جرائم مرتبط با مواد مخدر (و یا هر جرم دیگری) به اعدام محکوم شدند در دسترس عموم نیست؛ در نتیجه اطلاعات ما از نهادهای غیر دولتی مانند بنیاد عبدالرحمان برومند برای حقوق بشر در ایران بدست می آید. ثانیاً، برآوردهای منتشر شده یا اطلاعاتی که در دسترس عموم است نشان می دهد که اطلاعات ما - یعنی ده حکمی که در این نوشتار به آنها استناد شده است - مشت نمونه خروار و نماد کوچکی از اعدام های کثیری است که می دانیم در ارتباط با جرائم مرتبط با مواد مخدر صورت گرفته است. ثالثاً، اطلاعاتی که ما در اختیار داریم بطور سازمان یافته جمع آوری نشده است زیرا احکام دادگاه ها در ایران برای عموم قابل دسترسی نیست؛ بعبارت دیگر تلاش برای بدست آوردن این گونه اطلاعات علاوه بر اینکه کوششگران را با موانع جدی روبرو می کند موجد خطر هم هست. این عوامل متعدد امکان دستیابی به یک مجموعه اطلاعاتی را که بتواند نمونه قابل استنادی باشد غیرممکن می سازد. علیرغم موانع موجود، ده حکمی که این نوشتار مبتنی بر آنهاست روشنگر شیوه تصمیم گیری قضات در جمهوری اسلامی ایران در مورد جرائم مرتبط با مواد مخدر است.

انطباق حکم با قانون: ناآگاهی قضات یا احتراز آگاهانه؟

یکی از وظایف عمده قوه قضائیه - به عبارت دیگر تکلیف اصلی و اساسی آن - همانا اعمال قوانین مرتبط با موضوع در دست رسیدگی است. در سال ۱۳۵۴ ایران با امضای میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی متعهد شد که التزامات این میثاق را در قوانین کشور محترم شمرده و رعایت کند. مطابق این میثاق، مجازات اعدام فقط در مورد "جرائم بسیار مهم" قابل اجرا است که منظور از "جرائم بسیار مهم" در این تعریف "قتل عمد" بود. در هیچیک از احکام مزبور اشاره ای به "جرم بسیار مهم" در میثاق که معیار و ملاک اعمال مجازات اعدام است نشده است. با فرض به اینکه در ایران قضات از تعهدات بین المللی جمهوری اسلامی آگاه هستند هرگز دیده نشده است که تلاشی جهت توجیه تناقض آشکار موجود میان قوانین و تعهدات ایران در چارچوب قوانین بین المللی [که ایران متعهد به رعایت آنها شده] صورت بگیرد. در سایر کشورها مرسوم

^۴ این احکام در آرشیو بنیاد عبدالرحمان برومند برای دفاع از حقوق بشر در ایران ثبت و به زبان انگلیسی ترجمه شده و در اختیار پروژه Eelos Justice، دانشکده حقوق دانشگاه موناخ، قرار داده شده است. کمیته پژوهش اخلاق دانشگاه موناخ مجوز تدوین این یادداشت را داده است. وزارت امور خارجه و بازرگانی استرالیا این پروژه را از حیث مالی تامین می کند و بنیاد عبدالرحمان برومند نیز از کمک مالی Open Society Foundations through the South Asia and Middle East Network against the death penalty. که بر علیه مجازات اعدام فعالیت می کند برخوردار شده است.

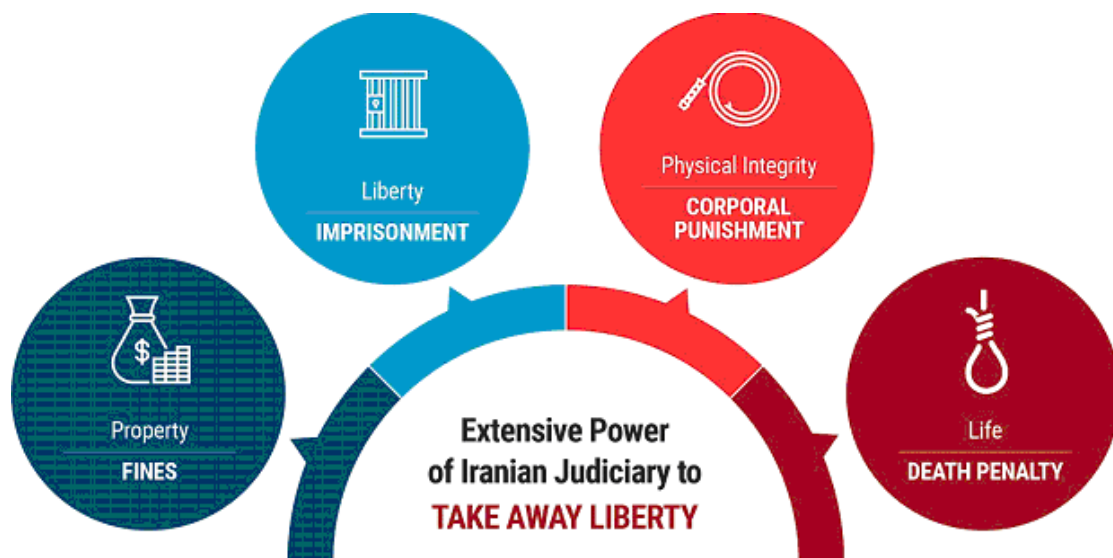
^۵ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ با اصلاحاتی که در سال ۱۳۹۶ در آن شد حداقل میزان مواد مخدر غیرقانونی را که تولید کننده و توزیع کننده این مواد را مستوجب مجازات مرگ می کند افزایش داد. قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر در تاریخ ۱۲ مهرماه ۱۳۹۶ از تصویب مجلس و در تاریخ ۲۶ مهرماه ۱۳۹۶ از تصویب مجلس خبرگان گذشت. خلاصه این قانون به زبان انگلیسی در سایت بنیاد عبدالرحمان برومند (لینک زیر) قابل دسترسی است: [Abdorrahman Boroumand Center: Drug Reform Bill Version Approved by Majles on October 4, 2017 and Guardian Council on October 18, 2017 \(Final Version\) \(iranrights.org\)](https://www.abdorrahmanboroumand.org/center-drug-reform-bill-version-approved-by-majles-on-october-4-2017-and-guardian-council-on-october-18-2017-final-version-iranrights.org).

^۶ برطبق ماده (۲) ۶ میثاق میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در کشورهایی که مجازات مرگ ملغی نشده مجازات مرگ را می توان فقط برای جرائم "بسیار مهم" [the most serious crimes] اعمال کرد.

^۷ حق حیات، کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد (۲۰۱۸).- تفسیر عمومی شماره ۳۶ درباره ماده ۶. رجوع کنید به <https://www.ohchr.org/en/calls-for-input/general-comment-no-36-article-6-right-life> که جرائمی که بطو مستقیم یا عمدی منجر به مرگ نشوند، بعنوان نمونه... جرائم مرتبط با مواد مخدر و جرائم جنسی علیرغم این که از حیث ماهوی جرائم جدی محسوب می شوند در چهارچوب ماده ۶ مستوجب اعمال مجازات مرگ نیستند.

است که قضات و دولت ها به رویه قضائی در دیگر کشورها توجه کنند. بعنوان نمونه دیوان عالی در هند^۸ و در پاکستان^۹ در آرای خود به تصمیمات دادگاهها در سایر کشورها و از معاهدات بین المللی نقل قول و اتخاذ سند کرده اند؛ این امر نمایانگر دانش قضات در این کشورها از حقوق وقوانین در کشور متبوعشان و در سطح بین المللی است. بطور کلی، حق بهره مندی از یک محاکمه عادلانه از مواردی است که در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، در ماده ۱۴، به رسمیت شناخته شده و تضمین شده است. در واقع طی دومین بررسی ادواری جهانی که در سال ۱۳۸۲ برگزار شد دولت ایران پذیرفت تا توصیه سازمان ملل را در مورد " ضرورت ایجاد سازو کاری که اصول و تشریفات دادرسی و محاکم عادلانه را تضمین کند، بخصوص در مواردی که احتمال اعمال مجازات مرگ وجود داشته باشد" رعایت نماید.^{۱۰} همانطور که در این نوشتار نشان داده شده است نتیجه ای که از این احکام میتواند گرفت این است که بنظر نمی رسد که قضات جمهوری اسلامی در عملکرد خود و صدور آراء مقید به رعایت اصول و تشریفات قانونی باشند.

احکام خارج از دسترس



تحقیقات میدانی بنیاد عبدالرحمن برومند نشان می دهد که دست کم در ده سال گذشته متهمین به رایبی که دادگاه برایشان صادر کرده دسترسی نداشته اند، درحالی که برای فردی که محکوم شده و مایل است بر علیه محکومیت یا مجازات تعیین شده تقاضای فرجام کند داشتن یک نسخه از حکم دادگاه ضروری است. با اصلاحاتی که در آیین دادرسی کیفری صورت گرفت از سال ۱۳۹۴ مرتکبین جرائم مرتبط با مواد مخدر حق دارند بر علیه محکومیت یا مجازات تعیین شده تقاضای تجدید نظر کنند. در میثاق بین المللی حقوق مدنی و

^۸ بعنوان نمونه : <https://www.ourlegalworld.com/shatrughan-chauhan-anr-vs-union-of-india-ors-case-analysis/>

^۹ بعنوان نمونه : https://www.supremecourt.gov.pk/downloads_judgments/c.r.p. 420_2016.pdf

^{۱۰} شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، گزارش کارگروه بررسی ادواری جهانی: جمهوری اسلامی ایران (ضمیمه)، رجوع کنید به UN Doc A/HRC/28/12/Add.1 (2 March 2015)، صفحات ۱۳۸ تا ۲۱۳. لازم به تذکر است که ایران اکثر توصیه هایی را که در ارتباط با مجازات مرگ شده بود رد کرد.

سیاسی هم حق فرجام خواهی ا تضمین شده است و شخص محکوم باید بتواند "در یک مهلت زمانی قابل قبول به احکام کتبی، که باید مطابق اصول دادرسی و بطور مستدل تحریر شده باشد، دسترسی داشته باشد"؛ عدم دسترسی به این حکم دادگاه به منزله نقض حق تقاضای تجدیدنظر تلقی می شود. ^{۱۱}بعلاوه از الزامات میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی علنی بودن حکم است. ^{۱۲}آرای دادگاه اسناد همگانی مهمی هستند که می توانند به درک گرایشات و الگوهای تصمیم گیری های قضائی کمک کنند و به عنوان اهرمی در نظارت بر قوه قضائیه مورد استفاده قرار گیرند. برخلاف سایر نظام های حقوقی که در آنها بانک های اطلاعاتی (نظیر Lexis و Westlaw) ویژه دادگاهها دسترسی همگان را به احکام صادره در دادگاه ها میسر می کند، در جمهوری اسلامی احکام دادگاه ها در دسترس همگان نیست. با توجه به گستردگی دامنه قدرت دستگاه قضائی در ایران در سلب آزادی (حبس)، سلب مالکیت (مصادره اموال و تحمیل جرایم مالی)، سلب مصونیت فیزیکی افراد (تنبه بدنی) و سلب حیات افراد (مجازات مرگ)، ثبیت و ضبط علت و نحوه مجازات یک محکوم مستلزم رعایت شفافیت در ثبت اطلاعات است.

احکام غیر مستدل ، غیر مستند و غیر موجه

چنانچه متهمین یا خانواده آنها موفق شوند نسخه ای از حکم دادگاه را به دست آورند، با احکامی مواجه می شوند که از حیث محتوا ناچیز است. در احکامی که برای تدوین این یادداشت مورد بررسی قرار گرفتند جزئیاتی که به واسطه آن متهمین و وکلای مدافع آنها بتوانند دلالتی را که به تصمیم قضائی منجر شد درک کنند و در صورت لزوم لایحه ای برای تقاضای تجدید نظر تهیه نمایند وجود نداشت. به عنوان نمونه، حکم دادگاه انقلاب اسلامی کرج در پرونده محسن نصیری مجرم از ۴۰۰ کلمه تجاوز نمی کرد و شامل یک بند کوتاه درباره مدافع و جرمی که به ارتکاب آن متهم شده بود، و یک بند حاوی رأی قضائی به محکومیت متهم به مرگ بود. (رجوع کنید به ضمیمه ۲ این یادداشت):

دادگاه با در نظر گرفتن گزارش مقامات ذیربط، مواد مخدر کشف شده، اعتراف متهم به اینکه این مواد به امانت نزد او گذاشته شده بود و او از ماهیت آن که متأمقتمین بود مطلع نبوده است، اظهارات متهم و اقرار او در مراحل مختلف رسیدگی به پرونده، اظهارات وکیل مدافع و در مجموع محتوای پرونده اتهامات وارده بر علیه متهمین را محرز و مسلم شناخت، و متهم را بر طبق ماده ۸، بند ۶ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر محکوم به مرگ کرد.

در خاتمه احکام با سه جمله مشعر بر اینکه رأی دادگاه در حضور کلیه افراد ذینفع (که معلوم نیست چه کسانی هستند) صادر شده است، و صدور دستوراتی برای مصادره اموال ناشی از ارتکاب جرم پایان می یابد.

در حکم صادره هیچ تحلیل و توصیفی از واقعه حقوقی صورت نگرفته است. شرایط دستگیری و بازداشت متهم ، نحوه به دست آوردن شواهد جرم از جمله "کشف" مواد مخدر، اینکه آیا متهم در مراحل مختلف دادرسی و هنگامی که اعتراف به ارتکاب جرم می کرده است وکیل مدافع داشته است یا نه ؛ دفاعیه و شرایط تخفیف مجازاتی که برای متهم در دادگاه مطرح شد چه بود، دادگاه چگونه شواهدی را که ارائه شده بود بر قوانین ذیربط منطبق کرد، از جمله عناصری که تحقق آنها شرط لازم برای محکوم کردن متهم بر طبق ماده ۸ بند ۶ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر است ، و اینکه دادگاه چگونه به این نتیجه رسید که مجازات مرگ برای در اختیار داشتن ۴/۴ کیلوگرم شیشه متأمقتمین مرگ مناسب است ، به هیچیک از این موارد در حکم اشاره نشده است . اگرچه قضائی پرونده ظاهراً به این نتیجه رسید که پرونده را در "کلیت" آن بررسی نموده و اعلام کرد که اتهام انتسابی "به طور محرز و مسلم ثابت شده است" ، محتوای پرونده و حکم صادره برای هر خواننده ای شگفت انگیز است. حکم صادره در حد یک خلاصه کوتاه از پرونده است و سؤالاتی برمی انگیزد

^{۱۱} ماده (۵) ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی : "هر کس که بخاطر ارتکاب جرمی محکوم شود حق دارد محکومیت و مجازات خود را به دادگاهی بالاتر ارجاع دهد تا مطابق قانون مجدداً برای بررسی شود."

^{۱۲} دفتر کمیسیون عالی حقوق بشر : راهنمای حقوق بشر برای قضات، دادرسان و وکلای (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۳)، صفحه ۳۰۷.

^{۱۳} ماده (۱) ۱۴ میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی : "احکامی که در موارد جزائی یا کیفری صادر می شود باید علنی باشد مگر آنکه علنی بودن حکم به مصلحت اشخاص نوجوان نباشد، یا موضوع حکم اختلافات زناشویی یا حضانت اطفال باشد."

به مراتب بیشتر از پاسخ هایی است که می دهد. درخاتمه رئیس دادگاه بدون هیچ پیش درآمدی اعلام می کند که " به ضرر قاطع نسبت به گناهکاری متهم متقاعد شده است ". این عبارت شک و شبهات موجود درباره ابعاد مختلف پرونده را بیشتر می کند.

پرونده آقای محسن نصیری به هیچوجه یک مورد استثنائی نیست (رجوع کنید به ضمیمه شماره ۳). سایر احکامی که مورد بررسی قرار گرفت به همین سیاق فاقد جزئیات لازم بودند. در پرونده رحیم محمدپور ، اظهارات متهم در حکم دادگاه " ناموجه و بی اثر " توصیف شده ، اما توضیح داده نشده که قاضی چگونه معتبربودن اظهارات متهم را ارزیابی کرده است. تنها با اعتماد کورکورانه داشتن به قاضی می توان مجاب شد که این احکام درست است چون این احکام را نمی توان ضاوت مبتنی بر استدلال تلقی کرد.

با وجود این قضات در ایران موظفند که حداقل به حکم قانون، مواد ۳۷۴ و ۳۷۵ آیین دادرسی کیفری را رعایت کنند. به موجب این مواد احکام دادگاه باید ۱- مستدل باشد و مواد ذریبط قانون را تصریح کند ۲- حضوری یا غیابی بودن حکم را ذکر کند ۳- قابلیت تجدید نظریا فرجام خواهی حکم و مهلت مقرر برای هر یک از این دو گزینه را تصریح نماید. همانطور که اشاره شد آرای قضات مستدل و مستند نبوده است. اگرچه در همه ۱۰ رای صادره به قوانین مربوط و موادی مرتبط با موضوع در قانون اشاره شده، ولی در هیچیک از احکام محتوای قانون ، عناصر جرمی که ادعا می شود که متهم مرتکب آن شده، و اینکه چگونه تحقق همه این عناصر جرم اثبات شده است مورد بررسی قرار نگرفته است. از ده حکم صادره شش حکم شامل این جملات است: " این رأی در حضور [همه یا برخی از] افراد ذینفع [که یا در دادگاه حضور داشتند یا شهادت کتبی شان در دادگاه خوانده شد] صادر شده است " ؛ اما در چهار حکم باقی مانده قید نشده که آیا متهمین در زمان صدور حکم حاضر بودند یا اینکه حکم بصورت غیابی صادر شده است. در هیچیک از این ده مورد اطلاعاتی درباره امکان تجدید محاکمه یا فرجام خواهی داده نشده است.

آرای دادگاههای جمهوری اسلامی ایران حاوی جزئیات نیست. این نکته زمانی به وضوح آشکار می شود که آرای دادگاههای جمهوری اسلامی ایران را با آرای دادگاههای سایر کشورها مقایسه کنیم. در مالزی مانند ایران مجازات جرائم مرتبط با مواد مخدر مرگ است؛ قضات این کشور در آرائی که صادر می کنند پس از شرح واقعه ای که رخ داده استدلال های حقوقی را به تفصیل تشریح می کنند؛ بسیاری از احکام دادگاهها در مالزی در یک بانک اطلاعاتی ذخیره شده که دسترسی به آن برای همگان میسر است. بعنوان مثال در یک رأی نمونه که موضوع آن حمل مواد مخدر در مالزی است موارد زیر قطعاً قید می شود: اتهام منتسب به متهم، واقعه ای که موضوع پرونده است ، دادخواست ، بررسی قانون مرتبط با واقعه و عناصری که وجود آنها برای اثبات وقوع جرم و محکومیت شرط لازم است، شرح خلاصه دادخواهی دادستان و دفاعیات متهم، توضیح درباره چگونگی مطابقت قانون مرتبط با واقعه موضوع رأی ، اینکه دادگاه چه مجازاتی برای متهم کرده است، و چنانچه اتهام منتسبه به تشخیص قاضی مستوجب مجازات مرگ باشد، شرایطی که تحقق آنها موجب تخفیف یا تشدید مجازات باشد نیز ذکر می شود.^{۱۶}

^{۱۴} مرکز اطلاعات کشور مبدأ (نهاد نوژی)، دفتر کمیسیون عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان و وزیر مسئول در امور مهاجرت «ایران: آیین دادرسی کیفری و مستندات» (رجوع کنید به صفحه ۷۶). این مطلب در لینک زیر قابل دسترسی است :

<https://landinfo.no/wp-content/uploads/2021/12/Iran-report-criminal-procedures-and-documents-122021-4.pdf>

^{۱۵} این چهار مورد عبارتند از: خالق خزرزاده رحیم زین (رأی دیوان عالی)، الف - س (رأی دادگاه عالی)، مجید پاراماسی و میکائیل شهبازی؛ و موسی شاطر انلو، علیرضا مددپور و دیگران.

1 E.g. <https://advance.lexis.com/document?crd=bafab1e0-f316-4d46-91c9-3c9b19a049ee&pdocfullpath=%2Fshared%2Fdocument%2Fcases-my%2Furn%3AcontentItem%3A5XGT-MTX1-JXNB-6227-0000-00&pdsourcgroupingtype=&pdicsfeatureid=1521734&pdcontentcomponentid=235221&pdmfid=1201008&pdisurlapi=true>

دادگاه عالی هند در پرونده ای که شهروندی به نام "داس" بر علیه دولت محلی به دادگاه برده بود (*Das vs. State of Bihar*) تذکر داد که چنانچه رأی دادگاه "مشتمل بر استدلال نباشد یا بدون ملاحظه آگاهانه نسبت به یک موضوع صادر شده باشد نمی توان آنرا قانون خواند و الزام آور تلقی کرد.^{۱۷} در پرونده دیگری که عنوان آن *Joint Commissioner of Income Tax vs Saheli Leasing* بود، دیوانعالی هند ضمن صدور رهنمودهایی اعلام کرد که رأی دادگاه باید شامل شرح واقعه اما فقط در حدودی که به موضوع پرونده مربوط می شود؛ همچنین قانون مرتبط با پرونده و استدلالی که رأی دادگاه مبتنی بر آن است باید در حکم تشریح شود؛ حکم باید حاوی جزئیات ضروری باشد؛ همچنین شرح کامل و روشن وقایع - با رعایت ترتیب زمانی و توالی وقوع رویدادها در حکم نهایی ضروری است.^{۱۸} به همین نحو در آئین دادرسی کیفری اصلاح شده فیلیپین تصریح شده که " در احکام دادگاه باید شرح رویداد و ماده قانونی ای که رأی دادگاه مبتنی بر آن است تصریح شود."^{۱۹} نتیجه : جزئیاتی که شمول آن مطابق موازین بین المللی در احکام کتبی دادگاهها ضروری است و در کشورهای سراسر دنیا رعایت می شود با آنچه در نظام قضائی در ایران اعمال میشود تفاوت چشمگیری دارد.

معیارهای نامشخص در محکومیت به مرگ

احکام صادره در دادگاه های ایران ضمن این که فاقد جزئیات اند، همگی از حیث ساختاری یک الگوی ویژه دارند. ده حکمی که به مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت همه با اطلاعات آماری درباره شخص متهم آغاز می شود، اما ارتباط این اطلاعات با مجازات روشن نیست و در صورتی که ارتباطی میان این دو وجود داشته باشد مشخص نیست که این ارتباط چگونه است. برای نمونه در پرونده محسن نصیری مجره ، در رأی دادگاه چنین آمده است:

در ارتباط با اتهامی که بر علیه آقای محسن نصیری مجره ، فرزند نظامعلی ، متولد ۱۳۶۴- ۱۳۶۳ ، شماره کارت هویت ۷۴ صادره از خلخال ، مجرد ، با سواد، فروشنده پوشاک، مسلمان شیعه ، بدون سابقه سوء پیشینه ، شهروند ایران (خلخال) که در بازداشتگاه کرج بسر می برد مطرح شده متهم ۴/۴ کیلوگرم متامفتامین (شیشه) در اختیار داشته است.

البته سن متهم از این نظر حائز اهمیت است که اطمینان حاصل شود که دادگاه کسی را که در زمان ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال دارد به مرگ محکوم نکند،^{۲۰} اگرچه تاریخ بازداشت متهم در همه احکام ذکر نشده است.

^{۱۷} دیوانعالی هند،

Supreme Court of India, Arnit Das vs State of Bihar (9 May 2000)

Indian Kanoon (Web Page) < Arnit Das vs State Of Bihar on 9 May, 2000 (indiankanoon.org)>

^{۱۸} دیوانعالی هند، پرونده *Joint Commissioner of Income Tax, Surat vs Saheli Leasing & Industries*

Ltd (7 May 2010) para 6, 7, Indian Kanoon (Web Page) < Jt.Commr.Of Income Tax,Surat vs Saheli Leasing & Industries Ltd on 7 May, 2010 (indiankanoon.org)>

^{۱۹} جمهوری فیلیپین، "آیین دادرسی کیفری اصلاح شده" (اصل ۱۲۰ در باب اصول دادگاهها مصوب اول دسامبر ۲۰۰۰)

اصول مذکور همچنین مقرر می دارد : "بخش ۲ : محتوای احکام دادگاه: چنانچه دادگاه رأی به محکومیت متهم بدهد رأی محکومیت باید شامل عناصر زیر باشد: (۱) اعمالی که متهم مرتکب شده و چگونه ارتکاب این اعمال از حیث قانونی جرم شناخته می شود، شرایطی که موجب تخفیف یا تشدید مجازات می شود و در ارتکاب جرم موثر بوده است؛ (۱) نقش متهم در ارتکاب جرم؛ (۳) مجازاتی که متهم مستوجب آن است و برای او تعیین شده؛ (۴) در صورت لزوم، مسئولیت مدنی یا خسارات وارده به طرف مقابل که ناشی از عمل یا ترک عمل متهم بوده و متهم موظف به جبران آن است.

^{۲۰} بر طبق میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ماده (۵) ۶، "افراد زیر ۱۸ سال و زنان آبستن را نمی توان محکوم به مرگ کرد."

میتوان تصور کرد که ذکر وضعیت تأهل و شغل متهم موقعیت اجتماعی و بُعد تأثیر مجازات مرگ را، که تنها بر متهم اثرگذار نیست بلکه خانواده او را هم شامل می شود، مشخص می کند. با وجود این در هیچک از احکامی که مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت قاضی به وضعیت معیشتی متهم و وضعیت خانوادگی او اشاره نکرده است. دربار سوء پیشینه کیفری، در پرونده رحیم محمدپور، سوء سابقه کیفری متهم در ارتباط با "مصرف نوشابه الکلی" که جرم محسوب می شود در نظر گرفته شده اما در رأی صادره تصریح نشده است که این سوء سابقه کیفری چه تأثیری بر محکومیت و مجازات تعیین شده داشته است.

در باره سواد متهمین، به نقل از احکام صادر شده همه متهمین توانائی خواندن و نوشتن داشته اند، بعبارت دیگر "با سواد" بودند، اما تعبیر قضاات از سواد داشتن و تأثیر آن بر مجازات تعیین شده تصریح نشده است. اگر سواد داشتن به این معنی باشد که متهم صلاحیت محاکمه شدن را دارد، چنین معیاری برای تعیین چنان صلاحیتی مناسب نیست زیرا انسان می تواند خیلی هم باسواد باشد ولی از حیث ذهنی و روانی ناتوان باشد و این ها عواملی است که وقتی کسی را به مرگ محکوم می کنند باید مد نظر داشت. پرونده درویش منظمی که برای خرید و نگهداری ۵ کیلوگرم مرفین به مرگ محکوم شد تنها موردی بود که وضعیت روانی متهم مورد بررسی قرار گرفت (و تنها موردی که موضوع ازسوی وکیل مدافع مطرح شد). قاضی در این پرونده استدلال وکیل مدافع مشعر بر حجر متهم را مردود شمرد و گفت:

نظر به اینکه کمیسیون کارشناسی پزشکی قانونی وضعیت روحی متهم را خوب و مسلط بر قوای ذهنی و مسئول در اعمال خود توصیف نموده اظهارات وکیل مدافع مشعر بر دیوانگی متهم را رد می کند؛ ضمن اینکه در همه مراحل رسیدگی به پرونده کوچکترین اثری از عدم اهلیت یا صحت روانی در ظاهر و رفتار متهم دیده نشده است؛ در نتیجه اتهامات منتسب و وقوع جرم محرز و مسلم است ...

در حکم مزبور به نقش پزشک قانونی اشاره شده ولی تصریح نشده که ملاک قانونی در ایران برای آنکه بتوان کسی را محاکمه کرد چیست و چه افرادی از مجازات مرگ معاف هستند (مثلاً حکم اعدام در مورد زنان باردار قابل اجرا نیست). از این گذشته، آنچه بیش از همه نگران کننده است اشاره قاضی "به وضعیت ظاهر و رفتار" متهم است که با اتکاء به این مطلب نتیجه گیری کرده که متهم به دیوانگی مبتلا نیست. اگرچه در ایران قضاات به ندرت برای احکامی که می دهند استدلال های مشخصی ارائه می کنند، در این مورد، استدلال هایی که مطرح شده عدم درک علمی قاضی را از اختلالات روانی آشکار می کند. بطور مختصر این احکام که همگی مرتبط با جرائم سنگین مرتبط با مواد مخدر است به ما کمک نکرد تا مجموعه ای از اصولی را شناسائی کنیم که گناهکاری متهم و مجازات متناسب بر اساس آن اصول در دادگاه مشخص می شود.

از گرفتن اقرار تا محکومیت

در احکامی که مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت اقرار متهم نقش مهمی در محکومیت داشت (رجوع کنید به ضمیمه شماره ۱، بخش مدارک و شواهد) به عنوان نمونه، مجید پارسی و میکائیل شهبازی بخاطر تولید و نگهداری تقریباً ۶/۲ کیلوگرم متامفتامین (شیشه) به مرگ محکوم شدند. اساس محکومیت اقرارهای متعدد و حضورشان در محلی بود که در آن مواد مخدر تولید می شد. قاضی با تمرکز بر اقرارهای متهمین در مراحل مقدماتی بازجویی و نادیده گرفتن انکار آن اقرارها که متعاقباً رخ داد آنها را به مرگ محکوم کرد: در بازجویی های اولیه متهمین به فعالیت های خود در ارتباط با تولید مواد مخدر روانگران اقرار کردند و اسامی افراد دیگری را که در تولید مواد مزبور مشارکت داشتند فاش کردند اگرچه همدستان شان تا کنون شناسائی و بازداشت نشده اند. بعد از اینکه در بازداشتگاه با سایر مجرمین که بیشتر از آنها با نظام قضائی سروکار داشتند و مجرب بودند آشنا شدند (و آن مجرمین متهمین را راهنمایی کردند) - در مراحل بعدی رسیدگی و حتی در دادگاه متهمین منکر تولید متامفتامین (شیشه) و نگهداری مواد روانگردان کشف شده شدند و هر یک دیگری را متهم کرد که مالک آن مواد بوده است. این شیوه کار در میان قاچاقچیان مواد مخدر مرسوم است.

^{۲۱} ایران از امضاء کنندگان "کنوانسیون حقوق افراد معلول" است. به نقل از "کمیته حقوق افراد معلول در سازمان ملل" احتراز تحمیل مجازات مرگ بر افرادی که از حیث ذهنی یا روانی ناتوان هستند یک تکلیف و براین اصل استوار است که در این موارد بعلت فقدان امکانات و رویه قانونی متناسب با وضعیت متهم تضمین یک محاکمه منصفانه و عاری از ناهنجاری و تبعیض غیر ممکن است.

آنچه درباره این حکم جلب توجه می کند شیوه برخورد قاضی و جرم او در نادیده گرفتن انکار متهمین است . قاضی مدعی است که سایر مجرمین که تجربه سروکار داشتن با نظام قضائی را دارند متهمین را تعلیم داده اند. با وجود این، متهمین عموماً به ارتکاب تخلفاتی که مرتکب نشده اند اعتراف می کنند، و آشکارترین دلیل این امر این است که متهمین تحت فشار شکنجه یا تهدید به شکنجه به اجبار اعتراف می کنند. ماده ۳۸ قانون اساسی ایران هرگونه شکنجه را برای کسب اقرار یا اطلاعات ممنوع می کند. برطبق این ماده " شهادت ، اقرار یا سوگندی که به اجبار گرفته شود فاقد ارزش و اعتبار است" و نقض این ماده مستوجب مجازات قانونی است.^{۲۳}

با وجود این، کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد در ملاحظات نهائی خود در مورد ایران نسبت به گزارش های اعمال گسترده شکنجه و رفتار ظالمانه و غیرانسانی یا تحقیرآمیز در بازداشتگاه ها ، ندامتگاهها و زندان ها ، و استفاده دادگاه ها از اعترافات اجباری به عنوان شواهد و قرائن اولیه برای دادن حکم محکومیت ابراز نگرانی کرد.^{۲۴}

بنیاد عبدالرحمان برومند و سایر گروههای مدافع حقوق بشر از دیرباز اسناد تعداد قابل توجهی از مواردی را جمع آوری کرده اند که متهم منحصراً بر مبنای اقرار محکوم شده است. بسیاری از بازداشت شدگان گزارش کرده اند که در جریان بازجویی مورد شکنجه قرار گرفتند تا وادار به اعتراف (کذب) شوند. در حکم رضا حسینی تصریح نشده که نحوه کسب اقرار چه بوده است ، اما اطلاعاتی که بنیاد عبدالرحمان برومند در این مورد به دست آورده قویاً حاکی از شکنجه حسینی است.^{۲۵} حسینی به دنبال یک جریح لفظی با پلیس که برای بازداشت همسایه او آمده بود بازداشت شد. همسرش درویدنویی که منتشر کرد توضیح داد که مأموران پلیس به خانه همسایه پورش بردند ، تعدادی جعبه را که محتوای آن مواد مخدر بود برداشتند، و ادعا کردند که مواد مخدره مکشوفه متعلق به حسینی است. خانم حسینی همچنین گزارش داد که همسرش به مدت ۷۰ روز تحت بازجویی و شکنجه بوده بدون اینکه طی آن مدت اجازه ملاقات داشته باشد. او بالاخره به زندان قزل حصار منتقل می شود اما تا یازده ماه بعد خانواده اش اجازه ملاقات با او را نداشتند. رضا حسینی در روز ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۵ اعدام شد.^{۲۶}

^{۲۳} قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ و اصلاحات بعدی مصوب ۱۳۶۸ که در لینک زیر قابل دسترسی است: https://www.constituteproject.org/constitution/Iran_1989.pdf

^{۲۴} در همان مأخذ. ماده ۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی شکنجه، اعمال ظالمانه و غیر انسانی، رفتار تحقیرآمیز یا تنبیه افراد را منع می کند. اظهارات و اعترافات که به زور کسب شود یا شواهد و قرائنی که با نقض حق متهم به مصون بودن از شکنجه و رفتار ظالمانه، غیر انسانی و تحقیرآمیز اخذ شود در دادگاه قابلیت استناد ندارد.

^{۲۵} کمیته حقوق بشر، ملاحظات مربوط به گزارش هایی که کشورهای عضو بر طبق ماده ۴۰ میثاق تسلیم کرده اند: ملاحظات نهائی کمیته حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران در سند زیر

UN Doc CCPR/C/IRN/O/3 (29 November 2011) para 14.

² <https://www.iranrights.org/memorial/story/-8578/reza-hosseini>

^{۲۶} سعید بلوچی، ۴۹ ساله و پدر پنج فرزند، برای قاچاق مواد مخدر بازداشت شد. بلوچی به خانواده اش گفت که در زندان انفرادی شکنجه شده و به او شوک الکتریکی دادند. پلیس در صدد یافتن مردی بود که هشت ماه قبل از آن مواد مخدر قاچاق کرده و متواری شده بود. مرد متواری تصادفاً از اهالی همان روستای بلوچی بود. بلوچی "اعتراف" کرد که همه مواد مخدری که پلیس هشت ماه پیش از آن توقیف کرده بود متعلق به او بوده است. سعید بلوچی در ۱۶ اسفند ۱۳۹۳ اعدام شد. برای جزئیات بیشتر به صفحه زیر در سایت بنیاد برومند رجوع کنید:

<https://www.iranrights.org/memorial/story/-7669/said-baluchi> همچنین به مورد محمود براتی در لینک زیر رجوع

کنید: <https://www.iranrights.org/memorial/story/-7974/mahmud-barati>

در احکام مجید پارسی و میکائیل شهبازی تصریح نشده که آیا زمانی که متهمین برای اولین بار اقرار کردند وکیل مدافع حضور داشته است یا خیر. حق داشتن وکیل بآ حق متهم که مجبور نباشد بر علیه خود شهادت دهد مرتبط است، زیرا اعتراف اجباری و آنچه متهم بر علیه خود اظهار کند اغلب زمانی رخ می دهد که متهم هنوز با وکیل مشورت نکرده است. در همه احکامی که در این بررسی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت متهمین وکیل مدافع داشتند (رجوع کنید به ضمیمه شماره ۱). اما در همه احکام لزوماً تصریح نشده که حضور وکیل مدافع در کدام مرحله از رسیدگی به پرونده بوده و مساعدت او تا چه اندازه مفید واقع شده است. قانون آئین دادرسی کیفری جمهوری اسلامی ایران [مصوب ۱۳۹۲] با اصلاحات ۱۳۹۴ مقرر می دارد که متهم میتواند در حضور وکیل بازجویی شود.^{۲۷} که موجب قانون قبل از شروع بازجویی مطلع کردن متهم از حقوق خود، از جمله حق دسترسی به وکیل، الزامی است، و متخلف از این اصل مطابق قانون مجازات می شود.^{۲۹} با وجود اینکه در صورتی که مقام قضائی این رویه قانونی را که هدف از آن صیانت متهم است اجرا نکند قانوناً مستوجب مجازات خواهد بود، قصور او در اجرای این رویه موجب نمی شود که نتیجه بازجویی از حیث قانونی بی اعتبار شود. در واقع ما موردی پیدا نکردیم که در آن چنین تخلفی منجر به تنبیه یک مقام قضائی شود. به عبارت دیگر، بر طبق قانون، اگر متهمی در مراحل مقدماتی بازجویی از داشتن وکیل محروم شود می توان مقام قضائی مربوطه را تنبیه کرد اما فرآیند قضائی کماکان مسیر خود را طی می کند و نتایج حاصل از بازجویی می تواند مبنای مستمسکی برای محکومیت باشد.

اصل برائت

در قوانین ایران از جمله در قانون اساسی، اصل برائت (به این معنی که هر فردی که متهم به ارتکاب جرمی شود بی گناه فرض می شود تا اینکه مقصر بودنش مطابق قانون اثبات شود) برای متهم تضمین شده است. بر طبق ماده ۳۷ " اصل، برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد." بعنوان نمونه در مورد علی ستاری قضات در دادگاه بدوی و تجدیدنظر ناآگاهی متهم درباره ماهیت محتوای محموله هارا رد کردند (رجوع کنید به شرح پرونده در صفحه ذیل). استدلال متهم این بود که تصور می کرده است که محموله ای که حمل میکرده شامل نوشابه الکلی است و نمی دانسته که محتوای آن در واقع متامفتامین محلول در آب بوده است. در حکم دادگاه عنصر قصد (یا نیت) که از عناصر لازم برای تحقق جرم قاچاق مواد مخدر در ایران است ثابت نشده است. گذشته از این، دیوانعالی نتیجه گیری کرده که متهم برای کشف محتوای محموله محظور و مانعی نداشته است؛ دادگاه اظهارات متهم و موجه بودن ادعای او را مورد بررسی قرار نداد.

جعبه شماره ۱ - پرونده علی ستاری

ساعت ۲ بامداد روز ۲۲ آذر ۱۳۹۸ پلیس راه اتومبیلی را که علی ستاری راننده آن بود متوقف کرد. به پلیس خبر داده شده بود که قاچاقچیان مواد مخدر قصد دارند یک محموله مواد روانگردان از استان خراسان به استان البرز ارسال کنند. پلیس در اتومبیل آقای ستاری دو محفظه بیست لیتری کشف کرد که بعداً معلوم شد محتوای آنها متامفتامین محلول در آب بوده است (از این محلول بعد از تبخیر آب نزدیک به ۲۱/۲ کیلوگرم گرد شیشه بدست می آید). علی ستاری در پاسگاه پلیس اظهار کرد فروشنده دوره گرد پتو و تشک است و مردی که از او یک پتو خریده بود درخواست کرده بود که ایشان مقداری مشروب الکلی دست ساز خانگی را به شیراز حمل کند. آن مرد و دستیارش که او را همراهی می کرد دو محفظه را در اتومبیل آقای ستاری جا داده بودند و حتی

^{۲۷} ماده (۳) ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

^{۲۸} ماده ۱۹۰ آئین دادرسی کیفری جمهوری اسلامی ایران. خلاصه و ترجمه انگلیسی متن قانون اصلاح شده در سال ۱۳۹۵ در مرکز اسناد حقوق بشر ایران (تارنمای مرکز، ۲۰۱۶)، قابل دسترسی است

<https://iranhrdc.org/amendments-to-the-islamic-republic-of-irans-code-of-criminal-procedure-part-2/>

^{۲۹} به همین سیاق، کسی را از حق همراهی وکیل محروم کردن غیرقانونی و مستوجب مجازات است. در مواردی که ارتکاب جرم مستوجب مجازات مرگ باشد، در صورتی که در بازجویی های مقدماتی متهم وکیل معرفی نکند، دادستان مکلف است برای متهم وکیل تسخیری تعیین کند.

^{۳۰} اصلاحات قانون آئین دادرسی کیفری جمهوری اسلامی ایران - بخش ۲. مرکز اسناد حقوق بشر ایران (تارنمای مرکز، ۲۰۱۶) <https://iranhrdc.org/amendments-to-the-islamic-republic-of-irans-code-of-criminal-procedure-part-2/>

کمک کردند تا تشک ها وسایر ابزار او را بار ماشین کنند. علی ستاری به سوی کرج به راه افتاد درحالی که مرد مزبور و دستیارش در اتومبیل دیگری جلوی او حرکت می کردند. علی ستاری ادعا کرد که نمی دانسته در درون محفظه ها چیست و تصورش این بوده که مشروب الکلی حمل می کرده است. او گفت: "گول خوردم. به من دروغ گفت". علی ستاری سابقه سوء پیشینه نداشت. دادگاه برای دفاع از او یک وکیل تسخیری تعیین کرد. دادگاه بدوی او را به مرگ محکوم کرد. دادگاه تجدیدنظر حکم دادگاه اول را تأیید کرد و گفت: "درنهایت، متهم برای آنکه از ماهیت موادمخدوری که حمل می کرد مطمئن شود محظور و مانعی نداشت."

منبع: بنیاد برومند به حکم دادگاه دسترسی پیدا کرده است.

مورد علیرضا مددپور نمونه ای از احکام دادگاه انقلاب اسلامی کرج است که متهم، با وجود شواهد و قرائن قانع کننده ای که موجب تردید در گناهکار کار بودن او می شود، به مرگ محکوم شد (رجوع کنید به جعبه شماره ۲ و ضمیمه این نوشتار).

جعبه شماره ۲ - پرونده علیرضا مددپور

علیرضا مددپور، دانشجوی رشته حسابداری بصورت نیمه وقت به کار اشتغال داشت تا کمک هزینه ای داشته باشد. یکی از آشنایانش او را برای کار نگهبانی و نظافت استخدام کرده بود. روز ۲۱ آبان ۱۳۹۰ درحالی که بیرون محلی که قرار بود در آن کار کند منتظر بود پلیس به آن خانه حمله کرد و نزدیک به ۹۹۰ گرم متامفتامین و مواد مخدر دیگری یافت که در تولید شیشه استعمال می شود. فرد دیگری به نام مهدی رستمی بعداً شناسائی شد که گفته می شود آنها را استخدام کرده بود تا متامفتامین تولید کنند. مهدی رستمی این محل را اجاره کرده بود و تأمین کننده مواد اولیه هم بود. بنا به گزارشات موجود مددپور بازداشت شد بدون اینکه حق تماس با کسی را داشته باشد و بدون دسترسی به وکیل تحت بازجویی قرار گرفت (در حکم دادگاه این اطلاعات درج نشده است) ^۱. هر سه نفری که با او متهم شدند به بازجویی مسئول پرونده اعتراف کردند که مددپور برای اولین بار به آن محل آمده بود و قرار بود کار نظافت انجام دهد و کوچکترین اطلاعی از فعالیتی که در آن محل می شد نداشت. با وجود اظهارات سایر متهمین که همراه با علیرضا مددپور دستگیر شده بودند مددپور بعد از رسیدگی به پرونده که فقط ۲۰ دقیقه به طول انجامید به مرگ محکوم شد. دادگاه درخواست او برای محاکمه مجدد را نپذیرفت. درخواست دیگر او برای تجدید محاکمه در سال ۱۳۹۳ رد شد، همچنین دادگاه تقاضای عفو او را رد کرد. مددپور در تابستان ۱۳۹۴ اعدام شد.

(۱) منبع: بنیاد برومند به حکم دادگاه دسترسی پیدا کرده است.

برای جزئیات پرونده به سایت زیر رجوع کنید:

<https://www.iranrights.org/memorial/story/-7968/ali-reza-madadpur>

دادگاه انقلاب اسلامی کرج پس از شرح مختصر واقعه و کشف مواد مخدر در محلی که گفته می شود یکی از چهار متهم اجاره کرده بود بلافاصله چنین ادامه می دهد:

بنابراین با توجه به کشف مواد غیرقانونی (متامفتامین) و اسباب و آلات ساخت آن مواد، نظر به اعترافات و اظهارات صریح متهمین، دادگاه اتهامات منتسب را وارد و متهمین را گناهکار می داند و برطبق ماده (۶) ۸ و ماده ۲۰ **قانون مبارزه با جرائم مصوب ۱۳۷۶-۱۳۷۵** هریک از متهمین را به اتهام نگهداری و ذخیره اسباب و آلات و مواد تولید متامفتامین به پرداخت ۵ میلیون ریال جریمه نقدی، ۳۰ ضربه شلاق، مصادره اسباب و آلات به سود دولت، و مرگ محکوم می کند.

قاضی بدون آنکه نقش هریک از متهمین را در تهیه و انبارکردن ۹۰۰ گرم متامفتامین تشریح کند هرچهار نفر را به مرگ محکوم کرد. برطبق اسناد موجود که (به عنوان مثال نمونه فرم هایی که برای تقاضای عفو به دادگاه تسلیم شد) بنیاد برومند به آن دست یافته است، سه نفر دیگری که با آقای مددپور متهم شدند همگی بارها تاکید کردند که مددپور برای کار نظافت استخدام شده بود اطلاع نداشت که در آن خانه چه فعالیتی انجام می شود و با مواد مخدر کوچکترین ارتباطی نداشت. این اظهارات دست کم باید تردیدی موجه در ذهن قاضی نسبت به گناهکار بودن مددپور ایجاد می کرد. معهدا دادگاه ها حاضر به بررسی آن ها نشدند.

احکامی که قضات صادر می کنند پرازتناقض است. در پرونده رحیم محمدپور و پیشرو بیورانی ، محمد پور در زمستان ۱۳۹۲ به جرم تولید ۱/۵۸ کیلوگرم شیشه محکوم به مرگ شد ، ولی بیورانی متهم دیگر پرونده که قویاً اتهامات منتسب را انکار کرد و محمدپور مکرراً اظهاراتی مبنی بر عدم اطلاع بیورانی از وجود مواد مخدر و حضور وی برای کمک در آبیاری گیاهان عنوان نمود، تیرئه شد.

براساس اطلاعات موجود، مشکل بتوان میان مورد بیورانی با مورد مددپور تمایز قائل شد، مگر اینکه بگوئیم که در پرونده مددپور، اصل برائت برای قاضی مطرح نبود.

نتیجه گیری

بنظرمی رسد که قضات در ایران برای آن که گناهکار یا بی گناه بودن متهم را محقق کنند و مجازات مناسب را تعیین نمایند بیش از هرچیز به شم وادراک خود اتکاء می کنند. با وجود این که قوانین و دستورالعمل هایی برای تعیین مجازات وجود دارد قضات یا در آرای خود از آن قوانین و دستورالعمل ها پیروی نمی کنند یا صرفاً بطور تصادفی (به اصطلاح عامیانه الله بختکی) اینجا و آنجا به موادی از قوانین کیفری اشاره می کنند. اگر اطلاعاتی درجهت مخالف آنچه مقصود قاضی و به نفع متهم باشد ارائه شود (که البته اتفاق نادری است) ، قضات در استدلال شان اغلب توضیح نمی دهند به چه دلیل این اطلاعات را مردود شمردند و در تصمیم گیری مد نظر قرار ندادند. و اگر هم قاضی استدلال های متهم را مطرح کند ، اینطور بنظر می رسد که در تصمیم گیری صرفاً به درک خود از متهم یا روند عدالت کیفری متکی است. استمرار این چنین الگویی در تصمیم گیری قضائی ، اگر بتوان اعمال این رویه را نوعی "الگو" تلقی کرد ، مستلزم اعتماد کامل به توانائی و ظرفیت قاضی در "حقیقت یابی" است ، زیرا احکام - که عملاً تاریخچه مستند و رسمی محاکمه و تجدید نظر است- جایی برای طرفین دعوی ، پژوهشگران و عموم نمی گذارد تا استدلال قاضی را - که مبنای تصمیم قضائی است - دریابند، درک کنند یا به چالش بکشند. فراموش نکنیم که احکام دادگاه ها در ایران دردسترس عموم نیست. به عبارت دیگر آنچه در این احکام نوشته می شود کوچکترین اهمیتی ندارد، تنها چیزی که حائز اهمیت است این است که قضات به نحوی به تصمیم رسیده و رأی صادر کرده اند.



فقدان شفافیت در آرای دادگاه ها موجب فرصتهایی برای گسترش فساد است. در سال ۱۳۹۸، ۶۰ قاضی در چارچوب طرحی که توسط رئیس قوه قضائیه برای مقابله با فساد قضائی اجرا شد از کار برکنار شدند.^{۳۱} بعلاوه، دستگاه قضائی ایران به کسانی که هیچگونه تحصیل قضائی نکرده اند اجازه می دهد تا برمسند قضاوت بنشینند. بنیاد عبدالرحمان برومند پژوهشی درباره معیارها و ضوابطی بعمل آورده که درگزینش قضات اعمال می شود. به موجب این پژوهش معرفت و دانش حقوقی از ملزومات قاضی شدن در ایران محسوب نمی شود. برطبق قوانین ایران، کسانی که در رشته حقوق تحصیل نکرده باشند می توانند در صورت اجابت شرایط ویژه به سمت قاضی منصوب شوند.^{۳۲} کار عمل

تعداد زیادی از طلاب که فقط تحصیلات حوزی داشته اند و از جمله با قوانین شریعت آشنا هستند (اما نه در سطح دانشگاه) به این منوال وارد دستگاه قضائی شده اند. زمانی که پژوهش مذکور در سال ۱۳۹۳ منتشر شد، تعداد قابل توجهی از قضات بلند پایه افرادی بودند که در رشته حقوق تحصیل نکرده بودند. برطبق ماده ۱۵۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی رئیس قوه قضائیه براساس دو معیار برگزیده می شود که اولی آگاهی به امور قضائی و دومی مدیر و مدبر بودن است.^{۳۴}

دراکثر مواردی که در این یادداشت مورد مطالعه قرار گرفت و به شهادت موارد عبیده دیگری که بنیاد برومند طی سالهای متمادی جمع آوری کرده و مورد مطالعه قرار داده است، در احکام دادگاه ها اعلام می شود که اتهامات منتسب به متهم "بطور محرز و مسلم اثبات شده است."^{۳۵} با این حال آنچه به نظر قضات در ایران قطعی می آید برای کسانی که در بیرون هستند بهیچوجه قطعی نیست. نگاهی به این احکام که مرتکبین به جرم های مرتبط با مواد مخدر در آنها به مرگ محکوم شده اند این محکومیت ها را بطور جدی زیر سؤال می برد. گذشته از این، سوای اینکه اطمینانی به درستی این احکام نیست، مقرر کردن مجازات مرگ برای ارتکاب جرائم مرتبط با مواد مخدر ناقض شرط میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی دائربراینکه اعدام فقط برای "جنایات بسیار مهم" جائز است می باشد، و این درحالی که است که دولت ایران از امضاء کنندگان میثاق مزبور است.

3 E.g. <https://www.al-monitor.com/originals/2019/06/iran-corruption-judiciary-ebrahim-raisi-judges-detained.html> and <https://iranwire.com/en/features/67539/>

^{۳۱} قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری مصوب ۱۳۶۱ و اصلاحات آن و آیین نامه نحوه جذب، گزینش و کارآموزی داوطلبان تصدی امر قضاء و استخدام قضات مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی از جمله قوانینی بودند که تجزیه و تحلیل و مطالعات بنیاد برومند براساس آن انجام شد. این پژوهش درلینک زیر قابل دسترسی است:

<http://www.iranrights.org/library/document/2877>

^{۳۲} بند ۵ قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری تصریح می کند که دارا بودن درجه اجتهاد از ملزومات انتخاب قضات است، و در صورتی که به تعداد کافی "مجتهد جامع الشرایط" (عین کلمه ای که در قانون بکار رفته است) وجود نداشته باشند، می توان از میان سایر داوطلبان واجد شرایط را انتخاب کرد. مجتهد کسی است که تحصیلات مذهبی حوزوی کرده و به تشخیص روحانیون طراز اول به درجه اجتهاد رسیده باشد. برطبق قانون اساسی جمهوری اسلامی داشتن تحصیلات قضائی برای احراز سمت های ریاست قوه قضائیه، دادستانی و ریاست دیوان عالی کشور الزامی نیست.

^{۳۴} رئیس قوه قضائیه به انتخاب مقام رهبری تعیین و برای یک دوره ۵ ساله - قابل تمدید - منصوب می شود.

^{۳۵} از ۱۰ قاضی ای که در این بررسی مورد مطالعه قرار گرفتند ۶ تن از عبارت "به طور محرز و مسلم اثبات شد" را استعمال کرده اند.

ضمیمه شماره ۱ فهرست احکام دادگاه

نام متهم	سن متهم (در زمان محاکمه)	تاریخ ارتکاب جرم	تاریخ حکم	جرم منتسب	مرجع رسیدگی به پرونده	حضور/عدم حضور وکیل	مستندات	مجازات
۱ محسن نصیری مجره ^{۳۶}	۲۷-۲۸ (تاریخ تولد احتمالی: ۱۳۶۵-۱۳۶۴)	قید نشده است	۲۲ فروردین ۱۳۹۲	نگهداری ۴/۴ کیلوگرم کریستال مت	دادگاه انقلاب اسلامی کرج	متهم وکیل مدافع داشته است ولی نام او قید نشده است.	اقرار متهم، مواد مخدر مکشوفه در اختیار متهم، مجموعه محتویات پرونده.	مرگ
۲ درویش منظمی ^{۳۷}	(تاریخ تولد احتمالی: ۱۳۳۸-۱۳۳۷)	۲۵ اسفند ۱۳۹۰	ناخوانا	تهیه و نگهداری ۵ کیلوگرم مرفین	دادگاه انقلاب اسلامی شهرستان اورومیه	وکیل مدافع: پرویز نجف پور	اقرار متهم، کشف مواد مخدر در منزل متهم	مرگ و مصادره اموال ناشی از ارتکاب جرم
۳ مجید پارسسی ^{۳۸}	قید نشده است	قید نشده است	۱۷ خرداد ۱۳۹۲	تولید و نگهداری ۶/۱ کیلوگرم کریستال مت	قید نشده است	وکیل پارسسی: رسول آزادبخت	اقرار متهمین، حضور متهمین در محل ساخت و تولید مواد	مرگ و مصادره اموال ناشی از ارتکاب جرم

³ <https://www.iranrights.org/memorial/story/-7770/mohsen-nasiri>

³⁸ <https://www.iranrights.org/memorial/story/-8575/majid-parmasi>

³ <https://www.iranrights.org/memorial/story/-8464/darvish-monazami-gulgani>

³ <https://www.iranrights.org/memorial/story/-8575/majid-parmasi>

مجازات	مستندات	حضور/عدم حضور وکیل	مرجع رسیدگی به پرونده	جرم منتسب	تاریخ حکم	تاریخ ارتکاب جرم	سن متهم (در زمان محاکمه)	نام متهم	
	مخدر، کشف مواد مخدر و اسباب و ابزار مرتبط	وکیل شهبازی: احمد خدایاری					قید نشده است	میکائیل شهبازی ^{۳۹}	
مرگ - متهم در زندان مهاباد با طناب به دار آویخته شد	مجموعه محتویات پرونده که شامل گزارش مقدماتی پلیس از فعالیت های متهمین در ساخت و تولید شیشه، کشف شیشه در منزل متهم محمدپور، سوء سابقه و محکومیت کیفری قبلی متهم	وکلای مدافع: عبدالرحمان محمودی و ناصر جمشیدیان	دادگاه عمومی سردشت		۲۸ آذر ۱۳۹۲	۱۶ شهریور ۱۳۹۲ (تاریخ تفتیش منزل متهم)	قید نشده است	رحیم محمدپور ^{۴۰}	۴
۴۰ سال حبس، ۴۰ ضربه شلاق، ۴۰ میلیون ریال جریمه نقدی									

³ <https://www.iranrights.org/memorial/story/-8576/mikail-shahbazi>

⁴ <https://www.iranrights.org/memorial/story/-8577/rahim-mohammadpur>

Proven With(out) Certainty - Appendix 1

مجازات	مستندات	حضور/عدم حضور وکیل	مرجع رسیدگی به پرونده	جرم منتسب	تاریخ حکم	تاریخ ارتکاب جرم	سن متهم (در زمان محاکمه)	نام متهم
تبرئه شد	متهم قویاً اتهام ارتکاب جرم منتسب را تکذیب کرد، اظهارات محمدپور مبنی بر عدم اطلاع بیورانی از مواد مخدر	وکیل مدافع: خالد پاک نام	دادگاه عمومی سردشت		۲۸ آذر ۱۳۹۲	۱۶ شهریور ۱۳۹۲	۲۶	پیشرو بیورانی

مجازات	مستندات	حضور/عدم حضور وکیل	مرجع رسیدگی به پرونده	جرم منتسب	تاریخ حکم	تاریخ ارتکاب جرم	سن متهم(در زمان محاکمه)	نام متهم	
مرگ و مصادره اموال ناشی از ارتکاب جرم	مجموعه محتویات پرونده که شامل تحت نظرگرفتن خانه متهم حسینی طی چندین ماه، کشف مواد مخدر و ۱۶/۸۵۰ میلیون تومان پول نقد در آپارتمان اجاره ای متهم و حضور او در محل	وکیل مدافع : امید مقدسی فر			۲۷ بهمن ۱۳۹۲	قید نشده است	۳۱-۳۲ (تاریخ تولد احتمالی: ۱۳۶۲-۱۳۶۱)	رضا حسینی ^۴	۵
مرگ و مصادره اموال ناشی از ارتکاب جرم	کشف مواد مخدر در منزل جمشیدیان	وکیل مدافع : ابراهیم بابو	دادگاه انقلاب اسلامی تهران		۲۷ بهمن ۱۳۹۲	قید نشده است	۳۸	حمزه جمشیدیان	

⁴ <https://www.iranrights.org/memorial/story/-8578/reza-hosseini>

مجازات	مستندات	حضور/عدم حضور وکیل	مرجع رسیدگی به پرونده	جرم منتسب	تاریخ حکم	تاریخ ارتکاب جرم	سن متهم(در زمان محاکمه)	نام متهم	
(اعتراض وکیل مدافع رضا حسینی رد شد، حکم دادگاه قبلی تأیید شد)			دفتر دادستانی کل کشور		۸ آذر ۱۳۹۳		-	رضا حسینی (اعتراض مدعی العموم) ^{۴۲}	
مرگ و مصادره اموال ناشی از ارتکاب جرم	کشف مواد مخدر، تحقیقات پلیس، اعترافات داناهور، اظهارات نامزد متهم کیامهر حاکی از تحویل بسته توسط داناهور	وکیل مدافع : شاملو احمدی	دادگاه انقلاب اسلامی کرج		۶ خرداد ۱۳۹۳	قید نشده است	۲۳-۲۴ (تاریخ احتمالی تولد : ۱۳۷۰-۱۳۶۹)	محسن داناهور ^{۴۳}	۶
		وکلائی مدافع : مهرپرور و آزادبخت					۳۲-۳۱ (تاریخ احتمالی تولد : ۱۳۶۲-۱۳۶۱)	محمد کیا کیامهر ^{۴۴}	

⁴ <https://www.iranrights.org/memorial/story/-8578/reza-hosseini>

⁴ <https://www.iranrights.org/memorial/story/-8579/mohsen-danahur>

⁴ <https://www.iranrights.org/memorial/story/-8585/mohammad-kia-kiamehr>

مجازات	مستندات	حضور/عدم حضور وکیل	مرجع رسیدگی به پرونده	جرم منتسب	تاریخ حکم	تاریخ ارتکاب جرم	سن متهم(در زمان محاکمه)	نام متهم	
مرگ	اقرار متهم، تحقیقات درباره فعالیت های متهم در ارتباط با مواد مخدر، کشف ۱/۵ کیلوگرم هروئین در خودروی متهم	وکیل مدافع : مهدی نصراللهی	دادگستری کل استان قم		۲۹ تیر ۱۳۹۳	۲۰ فروردین ۱۳۹۳	۲۳-۲۴ (تاریخ احتمالی تولد : ۱۳۷۰- ۱۳۶۹)	سعید شکری ^۴	۷
۲۵ سال حبس	اظهارات شکری درباره نقش متهم غفارزاده در تأمین هروئین ، حضور غفارزاده در محل انجام معامله	وکیل مدافع : محمد طهماسبی			۲۹ تیر ۱۳۹۳	قید نشده است	۲۸-۲۷ (تاریخ احتمالی تولد : ۱۳۶۶- ۱۳۶۵)	بهزاد غفارزاده	

⁴ <https://www.iranrights.org/memorial/story/-8580/said-shokri>

مجازات	مستندات	حضور/عدم حضور وکیل	مرجع رسیدگی به پرونده	جرم منتسب	تاریخ حکم	تاریخ ارتکاب جرم	سن متهم(در زمان محاکمه)	نام متهم			
مرگ و مصادره اموال ناشی از ارتکاب جرم	کشف متامفتمین در منزل اجاره ای رستمی، اقرار متهمین جملگی مدعی بی گناهی مددپور شدند	وکیل مدافع شاطرلو: جستانی	دادگاه انقلاب اسلامی کرج		۲۷ تیر ۱۳۹۱	۲۱ آبان ۱۳۹۰	۲۸ - ۲۷ (تاریخ احتمالی تولد: ۱۳۶۳ - ۱۳۶۲)	موسی شاطرانلو ^{۴۶}	۸		
		وکیل مدافع: مددپور: سالاریان							۳۳ - ۳۲ (تاریخ احتمالی تولد: ۱۳۵۸ - ۱۳۵۷)	علیرضا مددپور ^{۴۷}	
		وکیل مدافع: منتهائی: زاده							۳۲ - ۳۱ (تاریخ احتمالی تولد: ۱۳۵۸ - ۱۳۵۹)	احمد منتهائی	
		وکیل مدافع رستمی: رضائی							قید نشده است	مهدی رستمی	

⁴ <https://www.iranrights.org/memorial/story/-8581/musa-shateranlu>

⁴ <https://www.iranrights.org/memorial/story/-7968/ali-reza-madadpur>

مجازات	مستندات	حضور/عدم حضور وکیل	مرجع رسیدگی به پرونده	جرم منتسب	تاریخ حکم	تاریخ ارتکاب جرم	سن متهم (در زمان محاکمه)	نام متهم	
مرگ و مصادره اتومبیلی که برای حمل مواد مخدر مورد استفاده قرار گرفته بود (رای دادگاه بدوی تأیید شد)	کشف مواد مخدر در خودروی متهم، اعتراف متهم مبنی بر عدم آگاهی از اینکه آنچه در خودروی خود حمل می کرده مواد مخدر است، نتیجه آزمایشگاه که محتوای ظروف را شیشه مایع تعیین کرد		دیوانعالی کشور (تقاضای فرجام ازرای دادگاه انقلاب اسلامی مشهد مورخ ۳۰ خرداد ۱۴۰۰)		۱۴ شهریور ۱۴۰۰	۲۲ آذر ۱۳۹۸	قید نشده است	علی ستاری	۹
رای دادگاه بدوی تأیید و متهم محکوم به مرگ شد	کشف مواد مخدر در خودروی متهم، اقرار متهم	وکیل مدافع : حسن آزادبخت	دیوانعالی کشور (تقاضای فرجام ازرای)		۱۷ دی ۱۳۹۹	۱۲ خرداد ۱۳۹۹	۳۱ - ۳۲ (تاریخ احتمالی تولد: ۱۳۶۹ - ۱۳۶۸)	خالد خزرزاده ^{۴۸}	۱۰

⁴ <https://www.iranrights.org/memorial/story/-8586/khaleq-khezrzadeh>

Proven With(out) Certainty - Appendix 1

مجازات	مستندات	حضور/عدم حضور وکیل	مرجع رسیدگی به پرونده	جرم منتسب	تاریخ حکم	تاریخ ارتکاب جرم	سن متهم(در زمان محاکمه)	نام متهم
لغو رأی دادگاه بدوی و ارسال پرونده برای استماع مجدد به دادگاه پائین تر.	انکار اتهامات ، اظهارات خزرزاده که مشعر بر اینکه زین کمترین اطلاعی از وجود موادمخدر نداشت	وکیل مدافع: حسن ریاس	دادگاه انقلاب اسلامی شهرستان بندرلنگه مورخ ۳۰ مهرماه (۱۳۹۹د)				۳۲ - ۳۳ (تاریخ احتمالی تولد: ۱۳۶۷- (۱۳۶۸)	رحیم زین

ضمیمه شماره ۲

حکم محسن نصیری مجره

تاریخ: ۹۲/۱/۲۴
شماره پرونده: ۱۴۴/۱/۹۲۰۰۱۲
شماره پرونده: ۱۴۴/۱/۹۲۰۰۱۲

قوه قضائیه
فلا تقبوا الهوی ان تبدلوا
دادگاه انقلاب اسلامی کرج

دولنامه

بتاریخ ۹۲/۱/۲۲ پرونده کلاسه ۱۴۴/۱/۹۲۰۰۱۲ تحت نظراست. جلسه دادگاه بتصدی امضاء
کننده ذیل در وقت اداری تشکیل و پس بررسی اوراق پرونده ختم رسیدگی را اعلام و با استعانت
از ذات اقدس حق تعالی بشرح آتی مبادرت به اصدار رای می نماید.

«رای دادگاه»

در خصوص اتهام آقای محسن نصیری مجره، فرزند نظامعلی، متولد ۱۳۶۴، ش.ش. ۷۴، ص از خلخال،
مجرد، باسواد، شغل پوشاک فروشی، مذهب شیعه، فاقد سابقه محکومیت کیفری، تبعه ایران، اهل خلخال،
ساکن ندامتگاه کرج، مبنی بر نگهداری ۴/۴۰۰ کیلوگرم شیشه. با توجه به گزارش واصله، مواد مکشوفه،
اقرار متهم مبنی بر اینکه بصورت امانت بوده و نمی دانسته که شیشه است، اقرار و اظهارات متهم در مراحل
مختلف تحقیق و لایحه دفاعیه و کیل مدافع وی و مجموع محتویات پرونده بزه اتسابی محرز مستنداً به بند ۶
ماده ۸ ق م م نامبرده را به یک فقره اعدام محکوم مینماید. رأی صادره حضوری و پس از تأیید آن از سوی
ریاست محترم دیوانعالی کشور و یا دادستان محترم کل کشور قطعی و لازم الاجرا خواهد بود. در خصوص
اموال ناشی از همین جرم و وسیله نقلیه حامل مواد مخدر پس از تحقیق کامل توسط دادسرا و اعلام مواد
مشمول مادتین ۲۸ و ۳۰ ق م م وفق مقررات اقدام خواهد شد. مقرر است دفتر پرونده از آمار کسر و به
دبیرخانه دادستانی کل کشور ارسال گردد.

رئیس شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی کرج - آصف الحسینی

۹۲/۱/۲۲

ضمیمه شماره ۳

حکم محسن داناهور و محمد کیا کیامهر

تاریخ: ۳۰/۳/۹۳
شماره:
پست:
۱۴۴۲۹۳۳۲۰۱۹۱

داده‌گاه با بررسی کلیه محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و با استعانت از درگاه خداوند متعال ختم رسیدگی را اعلام و بشرح ذیل مبادرت به اصدار رأی مینماید.
(رأی دادگاه)

در خصوص اتهام آقایان ۱- محسن داناهور فرزند سخاوت، متولد ۱۳۶۹، اهل تهران، ساکن آدرس اعلامی، متأهل، شیعه، باسواد، فاقد سابقه محکومیت کیفری، با وکالت آقای شاملو احمدی ۲- محمد کیا کیامهر فرزند کریم، معروف به خضر متولد ۱۳۶۱، اهل سردشت، ساکن کرج، مجرد، سنی، باسواد، فاقد سابقه محکومیت کیفری، با وکالت آقایان مهرپرور و آزاد بخت، هر دو دایر بر مشارکت در ساخت و تولید مواد روانگردان و نگهداری ۲ کیلو و ۸۰۰ گرم مواد روانگردان از نوع شیشه و نگهداری ۱ کیلو و ۳۰۰ گرم قرص افدرین از پیش سازه های تولید مواد روانگردان. دادگاه نظر به کیفرخواست صادره از سوی دادسرای کرج و کشف مواد روانگردانها و نتیجه آزمایش آن و تحقیقات گسترده مأمورین مواد مخدر و اظهارات و اقرار ردیف اول و اظهارات و کشف یک جلد دفترچه آبی رنگ و اظهارات خانم المیرا ابراهیمی نامزد ردیف دوم در خصوص تحویل بسته از ردیف اول و اظهارات مأمور مواد مخدر بابک مجرد و کشف نمونه ای از قرصهای مکشوفه از خودرو متهم ردیف دوم در صفحات ۹ و ۱۵ و ۱۸ و ۲۶ و ۴۲ و ۵۱ و ۵۶ و ۶۱ پرونده که همگی حکایت از فعایت هر دو نفر در تهیه و تولید مواد روانگردان دارد لذا دادگاه مستنداً به بند ۶ ماده ۸ از قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و بند ۳ از ماده ۵ و ۴ الحاقی از قانون اصلاح ق.م.م.م هر یک از متهمان را از بابت مشارکت در ساخت و تولید و نگهداری مواد روانگردان به یک فقره اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم و از بابت مشارکت در نگهداری افدرین هر کدام را به تحمل دو سال حبس تعزیری و تحمل ۴۵ ضربه شلاق و پرداخت هر کدام مبلغ بیست میلیون ریال جریمه نقدی محکوم مینماید. در خصوص اموال و مصادره آن پرونده به دادسرا عودت داده می شود تا دقیقاً اموال هر یک از متهمان و اگر ناشی از همان جرم است با همکاری کمیته شناسایی اموال واقع در شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان در راستای ماده ۲۶ اصلاحی همان قانون شناسایی و با مدارک بدست آمده پرونده تکمیل و به این دادگاه ارسال گردد رأی صادره حضوری و پس از تنفیذ دادستان معظم کل کشور قابل اجرا میباشد. دفتر در اجرای ماده ۳۲ از قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر پرونده پس از برگ شماری و منگنه به دبیرخانه دادستانی محترم کل کشور ارسال گردد.

رئیس شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی کرج - صفری
۴۶۴۶